

دیسکور «انتخابات آزاد» در جمهوری اسلامی ایران واقعیت ها، ابهام ها، پندارها و افسانه ها

«بدبینی توانایی»، نزد نیچه، چون نیرو، دچار توهم نمی شود. همواره خطر را بدون لاپوشانی و رتوش مد نظر دارد. مرگبار بودن تسلیم و انتظار بازگشت آنی که تا کنون بوده را پیش بینی می کند. با اندیشه ای تحلیل گر به پندارها می نگرد و اصل را بر این قرار می دهد که به رغم همه، امکان خودآگاهی نیروها و شرایط لازم برای چیرگی بر وضعیت تاریخی وجود دارد.»(*)

شور انتخابات آزاد

این روزها، بیش از هر زمان دیگر در طول حیات جمهوری اسلامی ایران، امید انتخابات آزاد عده ای را در داخل و بیش از آن در خارج از کشور به شور و شوق آورده است. انگار که اینان جادوی خروج از بن بست سیاسی- اجتماعی ایران را سرانجام کشف کرده اند. از اصلاح طلبان حکومتی سابق که بانی، مدیر و مدبر دستگاه استبداد بودند و اکنون، با رانده شدن از قدرت، منتقد و مخالف آن شده اند تا اپوزیسیون خارج از کشور، از راست های جمهوری خواه و دموکرات تا چپ های بی آرمان و هویت... همه، یک تن و یک صدا، در رقابتی کم نظیر با یک دیگر، «انتخابات آزاد» را چون راه حلی ملی، گره گشا و نجات بخش در جمهوری اسلامی ایران تجویز می کنند.

در این مسابقه سیاسی برای عرضه ی اکسیر «انتخابات آزاد»، البته حقیقت هایی یافت می شوند که همواره باید مورد تأکید ما قرار گیرند. از جمله اصل انتخابات آزاد و دموکراتیک چون یکی از ارکان بنیادین، اصلی و اجتناب ناپذیر جمهوریت و دموکراتیسم در برابر تئوکراسی و سلطنت. یا مطالبه ی انتخابات آزاد از سوی شهروندانی که با شرکت در جنبش بزرگ اعتراضی سال گذشته در ایران، خواهان پایان دادن به استبداد و استقرار آزادی های مدنی در ایران شدند.

اما سواى این واقعیت های انکار ناپذیر، آن چه که در طرح شعار انتخابات آزاد در شرایط جمهوری اسلامی ایران جلب توجه ما را کرده است، پندارها و ابهام های فراوان پیرامون راه حلی است که به باور طراحان آن گره گشای مسایل سیاسی- اجتماعی ایران می باشد. فراوان نیز البته، افسانه سرایی در وصف اعجاز آنی است که «انتخابات» می خوانندش. پدیداری که چون سایر ارکان دموکراسی، تنها یکی از ابزار آن، هر چند مهم و اساسی اما با همه ی نسبت ها و محدودیت هایش است.

آن چه که به اجمال و در ترسیمی کلی در این جستار طرح می کنیم، نقدی بر شعار انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی ایران توسط یخش هایی از اپوزیسیون آن است. در این ملاحظات، نگارنده خواسته است به سهم خود در معرکه ای که انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی را شعاری ملی، اصلی، راهبر و راهکار می نمایند، مداخله ای نقادانه کند. در آن چه که آشفتگی می توان نامید، از واقعیت تا ابهام، از پندار تا افسانه، تلاشی حتی المقدور روشنگرانه کند.

دیسکور انتخابات آزاد

در نمایش سیاسی برای تجویز نوشداروی انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی، گفتیم که اپوزیسیون خارج از کشور، از راست های جمهوری خواه تا چپ های سنتی، بیش از همه به روی صحنه رفته و از خود مایه می گذارند. اینان، همان طور که در فرازهای زیر می خوانیم، دیسکوری ارائه می دهند که در مواردی به طور شگفت انگیزی یکسان اگر نه واحد،

کلیشه ای و ملال آور است. آن جا که به رسم غالب و رایج در تبلیغات سیاسی، دوگانه انگاری همراه با ارباب و تهدید صورت می گیرد مانند: انتخابات آزاد یا نابودی ایران، انتخابات آزاد یا کسب قهرآمیز قدرت، انتخابات آزاد یا جنگ و فروپاشی. دیسکوری که خود را سیاست ورز تر از «سیاست ورزی»، دموکرات تر از «دموکراسی» و حقیقی تر از «حقیقت» می پندارد و می نمایاند. و این در حالی است که به واقع، ویژگی اصلی آن، ساده انگاری، مطلق گوئی و لفاظی گری فریبنده است. دماغوژی است به معنای اصیل یونانی آن یعنی پوپولیسیسم. توهم انگیز و پر ابهام است. مماشات طلب با جمهوری اسلامی و دین سالاری در ایران است. مماشات طلب با اصلاح طلبان حکومتی سابق است. تقدیس گرا و افسانه سرا است. در یک کلام، گفتمانی است که چون کلام مذهبی، ریشه در بینشی قدسی و دینی از مفاهیمی چون دموکراسی، انتخابات، راهبرد، سیاست، تاکتیک و استراتژی دارد. قدسیتی و دینیتی البته سکولار یعنی زمینی، این جهانی!

پیش از هر چیز، ابتدا باید خودِ دیسکور را در خطوط اساسی آن بازگو کنیم. فزاینده‌ای که در زیر آورده ایم از سوی فعالانی از گرایش‌های سیاسی مختلف ابراز شده اند. نام و نشان‌ها را در یادداشت‌های پایانی آورده ایم. گزینشی که از میان دیسکورهای مختلف انجام داده ایم بر این معیار است که به گونه‌ای شاید بتوان آن را کمابیش ترجمان جوهر بحث «انتخابات آزاد» در اپوزیسیون خارج از کشور تلقی کرد. ناگفته بدهی است که در این جا صرفاً نقد ایده‌ها و جدل با نظریه‌ها مد نظر من است و نه به زیر پرسش بردن شخصیت و هویت اپوزیسیونی، دموکرات و آزادی خواه فعالانی که این دیسکورها را ارائه می دهند.

دیسکور ۱

«راهبرد انتخابات آزاد تنها راهبردی است که... می تواند پاسخ گوی هم زمان معضلات چندگانه صحنه ی سیاسی ایران، از جمله گشودن بن بست حکومتی، به دست آوردن حقوق از دست رفته ملت، نهادسازی به سمت ساختارهای نظام سیاسی مدرن، و جلوگیری از فروپاشی کشور باشد. یکی از مهمترین ساز و کار های راهبرد انتخابات آزاد گردآوردن بیشترین بر ضد کمترین است... پویای انتخابات آزاد میکوشد با ادغام نیروهای حکومتی در فرایند دموکراتیک سازی، حتی الامکان از فروریختن دستگاه دولت که نتیجه ای جز هرج و مرج نخواهد داشت جلوگیری کند... راهبرد انتخابات آزاد محوری است که به گرد آن می توان... چشم انداز آینده کشور را از سیاهی بیرون آورد و خطر جنگ و فروپاشی را منتفی کرد. در غیر این صورت خطر آن است که مجموعه ای از بن بست های سیاسی در داخل، تنش و تشنج با خارج و خلاء فزاینده قدرت سیاسی ناشی از کاهش مداوم مشروعیت رژیم، دست به دست هم دهند و کشور ما را گام به گام به سمت انفجار کور اجتماعی و فروپاشی و نیستی برانند. از این نگاه، سرنوشت کشور ما امروز در گرو نتیجه مسابقه میان انتخابات آزاد و فروپاشی است.» (۱)

دیسکور ۲

«تبلیغ و ترویج پیگیرانه انتخابات آزاد و نشان دادن امتیازات بسیار و توانمندی های عظیم این استراتژی دموکراتیک در میدان سیاسی کشور و میان فعالان اپوزیسیون دموکراسی خواه، مضمون اصلی این گام را تشکیل می دهد. تا این موتور راه نیفتد، موتور بزرگ درست کار نخواهد کرد. در این راستا با کار توضیحی باید نشان داد که سیاست انتخابات آزاد، گرهگاه همه جنبش های ضد تبعیض است. جایگاهی نه فقط برای وزن کشی دموکراتیک انواع انتخاب های سیاسی در کشور، که نیز محلی برای به نمایش درآمدن نیرو و پتانسیل جنبش های برابر حقوقی جنسیتی، عدالت خواهی اجتماعی، مطالبات ملی و هر مبارزه برنامه ای ضد تبعیض دیگر... سیاست انتخابات آزاد، مکان یکدیگر یابی مجدد است برای دو نیروی تاریخی و فکری، که در هدف دموکراتیک رهایی از استبداد دینی اشتراک منافع دارند: نیروی دموکرات سکولار و نیروی دموکرات غیر سکولار(اسلام گرا). مکان تجلی برای آن عقل سیاسی که، هر دو آنها را دعوت می کند تا اختلاف حول قانون اساسی مطلوب خویش را مقدم بر اشتراک دموکراتیک شان در گذر از استبداد قرار ندهند.» (۲).

دیسکور ۳

«اگر جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه همگانی مطالبه یا مطالباتی دارد که برای همه ایرانیان مشترک می باشند... هر یک با فهم منافع خود در مبارزه حول مطالبه مشترک شرکت می کند و بقیه مطالبات نسبت به مطالبه مشترک، در این کادر طرح... می شود... در این حالت می توان گفت که آزادی های فردی، حقوق شهروندی، حاکمیت مردم که تحت عنوان شعار محوری انتخابات آزاد مطرح شده، امر عمومی و مشترک هستند [...] حاکمیت قانون، روش های خشونت پرهیز و انتخابات

آزاد بعنوان راه اصلی تعیین سرنوشت ملت چهره سیاسی جدیدی به جامعه ایران... داده است... در این جامعه نمی توان با گفتمان ها و استراتژی های قرن بیستم دست به سیاست ورزی زد. باید با یک استراتژی دموکراتیک به چاره جوئی پرداخت. تنها با چنین راهبردی است که می توان به اتحاد های سیاسی و اجتماعی برای نجات کشور از پرتگاهی که بدان کشیده شده است، کمک کرد. با هدف کسب غیر دموکراتیک قدرت، با گفتمانی حاکمیت گرا، با درکی ناقص از دموکراسی، با طریقه مبهم گذار از استبداد، با تناقض در روش مسالمت آمیز مبارزه، با خواست مشترک نا مشخص، با اولویتی به جدائی دین از دولت که در سطح ملی به اتحاد کمک نمی کند... و بالاخره با به حاشیه راندن شعار انتخابات آزاد، «تحلیل اوضاع سیاسی...» [نام سند تحلیلی سازمانی]، به گمان من نا معاصر است.» (۳)

مشترکات و ویژگی های سه دیسکور

همان طور که مشاهده می کنیم، شعار «انتخابات آزاد» تکیه کلام سیاسی جریان های سیاسی مختلف شده است. اما این بار به یمن جنبش اعتراضی خرداد ۸۸ معروف به جنبش سبز و روی آوردن گروه های بیشتری به این شعار از جمله، البته با تفاوت هایی در مضامین و اهداف، جریان اصلاح طلبان حکومتی سابق.

آن چه که به مشترکات بر می گردد عبارت از این است که «انتخابات آزاد»، در همه ی این دیسکورها، شعار مرکزی، اصلی، ملی، فراگیر، راهنما و راهکار اعلام می شود. هم تاکتیک و هم استراتژی. راه گشای معضلات امروز و آینده کشور. رهنمودی بسیج کننده و برخاسته از به اصطلاح خود جنبش مردم. تجسم و تبلور عالی دموکراسی. راهبرد مورد قبول هم نیروهای داخلی و هم قدرت های خارجی... شعار که در پندار طراحان و مبلغان آن، می تواند به نیرویی مادی و سدناپذیر تبدیل شود و شرایط مبارزه را به سود اصلاحات تدریجی و جلوگیری از فروپاشی ایران تغییر دهد.

اما هر یک از این سه دیسکور دارای ویژگی خود نیز می باشد.

در دیسکور ۱ که در جوهر راست و محافظه کار است، «انتخابات آزاد» راهبردی برای جلوگیری از فروپاشی و نابودی ایران معرفی می شود. در نتیجه این دیسکور در برابر خطری خیالی و خودساخته، مماشات با حاکمیت را تا آن جا می تواند پیش راند که حاضر به حفظ نظام جمهوری اسلامی با قانون اساسی و ولایت فقیه اش شود.

در دیسکور ۲، «انتخابات آزاد» با روح و بینش آشنای چپ سنتی، فدایی- حزب توده، بیان و توضیح داده می شود. هم موتور کوچک در راه اندازی موتور بزرگ است (این برای وجه به اصطلاح کانونی دیسکور) و هم مکان یکدیگر یابی دو نیروی تاریخی دمکرات سکولار و دمکرات غیر سکولار (اسلام گرا)؟! (این هم برای وجه حزب توده ای دیسکور). در این جا نیز، قانون اساسی جمهوری اسلامی نباید مانع اشتراک دموکراتیک و تاریخی این دو نیرو یعنی طرفداران دموکراسی و طرفداران دولت دینی شود. بدین ترتیب، معلوم می شود که در این جا، «انتخابات آزاد»، بیش از هر چیز، مکان یکدیگر یابی مجدد! دو نیروی تاریخی! یعنی دمکرات ها و اسلام گرایان طرفدار دولت دینی است و بقیه حرف ها و ادعاها حکایت و لفاظی اند. در عین حال با طرح «دمکرات غیر سکولار»، معنای سکولار و سکولاریسم نیز نزد اینان روشن می شود: از آن جا که نمی توان هم دمکرات یا طرفدار حکومت برخاسته از مردم بود و هم طرفدار حکومت دینی، پس سکولار و سکولاریسم در ادبیات و تبلیغات اینان، سکولار و سکولاریسمی که این زمانه ورد زبان شان شده است - توجه کنید که اینان هیچ گاه سخنی از لائیک و لائیسیته یا «جدایی دولت و دین» بر زبان نمی آورند- منافاتی با حکومت دینی ندارد. حکومتی دینی اما با چهره ای دموکراتیک؟! یعنی حکومت دموکراتیک دینی؟! که موضع نواندیشان دینی است و می تواند مورد قبول پاره ای از اصلاح طلبان حکومتی سابق و چه بسا حتا بخشی از حاکمیت کنونی نیز قرار گیرد.

در دیسکور ۳، اما، «انتخابات آزاد» با روح و بینش چپ بی آرمان و هویت تبلیغ و ترویج می شود. «انتخابات آزاد»، در این جا، راه کاری دموکراتیک و مسالمت آمیز برای کسب قدرت در مقابل شیوه ی کسب غیر دموکراتیک قدرت قرار می گیرد یعنی لابد قیام یا انقلاب. قیام یا انقلابی که ناگفته ولی تلویحاً به زعم نویسنده، شیوه های خشونت و عمل قهرآمیز اند و در هر حال به استراتژی های قرن بیستم یعنی گذشته تعلق دارند پس باطل اند.

واقعیت های انتخابات آزاد

ابتدا و پیش از آن که به ابهام ها، پندارها و افسانه های دیسکور انتخابات آزاد بپردازیم، لازم است که واقعیت هایی را بپذیریم.

از میان آن ها، یکی این است که انتخابات دموکراتیک در ایران امروز، حداقل نزد بخش های وسیعی از شهروندان، به یکی از خواست های سیاسی- اجتماعی تبدیل شده است. انتخابات، در جمهوری اسلامی ایران، همواره آزاد بوده است اما برای

انتخاب کردن و نه انتخاب شدن. در مورد این دومی، قوانین کشوری و قانون انتخابات که ملتزم به پایه ای ترین آن ها یعنی قانون اساسی جمهوری اسلامی است، شرایطی را بر اساس مبانی حکومت اسلامی وضع کرده اند که سرپا تبعیض آمیز و نابرابرند. با این وجود، رژیم حتا قواعد بازی خود را نیز زیر پا می گذارد.

در "انتخابات" ریاست جمهوری خرداد ۱۳۸۸، بخش های بزرگی از شهروندان پایتخت و شهرهای بزرگ با امید پیروزی یکی از نامزدهای انتصابی و اصلاح طلب، میر حسین موسوی، پای صندوق های رأی رفتند. اما تقلبی صورت گرفت که در تاریخ انتخابات جمهوری اسلامی، گرچه رواج داشته است ولی در چنین ابعادی بی سابقه و مفتضحانه بود. بدین ترتیب برای نخستین بار، شعار دموکراتیک «رأی من کجاست؟» در تظاهرات مردم در میدان ها و خیابان های شهر طنین می افکند. خواست انتخابات آزاد، دموکراتیک و مستقل از نفوذ و دخالت دولت و دیگر نیروها به ویژه و به طور عمده در میان قشرهای تحصیل کرده، بالا و متوسط اجتماعی بیان و طرح می شود. در این شرایط است که بیش از هر زمانی دیگر در طول این سال ها موضوع انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی مورد توجه اصلی اپوزیسیون خارج از کشور قرار می گیرد. اپوزیسیونی که همواره و تا کنون بدون کسب نتایجی محسوس از مبارزات و فعالیت های خود، در جست و جوی شعاری بسیج کننده و راه کاری برای برون رفت از وضع اسف بار خود، جامعه و کشور است.

البته تجارب تاریخی جنبش ها و انقلاب ها در جهان نشان داده اند که تبیین شعار یا راه کاری مشخص چون تاکتیکی سیاسی گاه می تواند مؤثر واقع شود. به نمونه هایی از جنبش ها و مبارزات در جهان به ویژه در دوران اخیر می توان اشاره کرد. اعلام شعاری یا تاکتیکی مناسب و اثربخش که بتواند اکثریت بزرگی را به سوی مواضع خود جلب و متحد کند آرزوی دیرینه و دائم احزاب و سازمان های سیاسی و سیاست ورزان بوده و هست. از این رو، بسیاری در اپوزیسیون ایران نیز، هم برای رشد و گسترش نیرو و نفوذ خود و هم، چنان که مدعی اند، برای منافع و مصالح عالی کشور و مردم، همواره در تکاپوی یافتن راه کاری مشخص هستند. فرمولی که بتواند مردم را بسیج کند، به مبارزه کشاند و در عین حال، با مشارکت همه ی نیروهای سیاسی، از اپوزیسیون خارج از قدرت تا جناح هایی در درون حاکمیت، تحولی مسالمت آمیز به سوی آزادی و دموکراسی در ایران فراهم سازد.

با این همه، اما، پرسش اصلی هم چنان باقی می ماند: در شرایط کنونی مبارزات در ایران آیا فرمولی راه گشا وجود دارد؟ آیا راه حلی به صورت شعاری واحد و فراگیر از دل جنبش های اجتماعی قابل انکشاف است؟ و در چنین صورتی آیا این راه کار، شعار یا راه حل، «انتخابات آزاد» در جمهوری اسلامی است؟

پندارهای انتخابات آزاد

پندارهای سیاسی عموماً در ذهن سیاست ورزان ساخته و پرداخته می شود تا نزد مردمانی که بیشتر با واقعیت های عینی و روزمره سر و کار دارند. پندارهایی که دریافت هایی وارونه یا وارفته از واقعیت بفرنج و پیچیده اند و در ذهنیت سیاسی به جای حقیقت ها می نشینند. دستگاه ها و سیستم های نظری سیاسی در پندارگرایی خود عموماً به چندگانگی پدیدارهای اجتماعی و تاریخی بی توجه اند.

۱- این که تنوع و تکرار شرایط تاریخی و عوامل گوناگون اجتماعی همواره به شیوه ای عمل می کنند که تجربیات تاریخی کمتر تکرار می شوند، مگر به صورت شوخی و نمایشی مضحک.

۲- این که خواست های جنبش اجتماعی چون جنبش اعتراضی سال گذشته ی ایران متنوع تر از آن است که بتوانیم آن ها را در شعاری، فرمولی یا خواسته ای اصلی و مشترک، چون مطالبه ی انتخابات آزاد، خلاصه و محدود کنیم. آن هم به گونه ای که انگار راه گشای اصلی موانع و مشکلات عدیده ی جامعه و کشور است.

۳- این که شعار انتخابات آزاد، در صورتی که مضمون و شرایط آن روشن و ابهامات آن رفع شوند، حداکثر تنها می تواند یکی از خواست های مختلف و گوناگون مردم فعال در جنبش های اعتراضی ایران و نه ترجمان و تبلور همه ی این خواست ها محسوب شود. این شعار نمی تواند جمع بست خواست های سیاسی و اجتماعی مردم قرار گیرد. چون از یکسو، خواست های متنوع قشرهای مختلف اجتماعی در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نمی تواند در شعاری واحد خلاصه شود، آن هم در فقدان شرایط دموکراتیک. از سوی دیگر، انتخابات چون گزینش عده ای به جای خود برای اداره و مدیریت صرفاً ابزاری بیش نیست. هدف نیست بلکه وسیله است. وسیله ای، آن هم با احتمال و نه با قطعیت کامیابی برای رسیدن به اهدافی که خود این اهداف چون آزادی، برابر حقوقی، عدالت، بهزیستی و غیره خواست های اصلی مردم را تشکیل می دهند.

۴- این که امروز، یک سال پس از خرداد ۸۸، شرایط و اوضاع کنونی با وضعیت آن زمان تفاوت‌هایی بسیار و محسوس دارد. اگر در آن روزهای پر التهاب پس از تقلب در انتخابات ریاست جمهوری، مسأله‌ی انتخابات مجدد می‌توانست در ذهنیت سیاسی قشرهای اجتماعی و فعالان در صحنه جایگاهی احراز کند، امروز با فروکش جنبش اعتراضی در پی سرکوب‌های شدید و پر سابقه رژیم، دستگیری و تعقیب فعالان سیاسی و اجتماعی و دیگر عواملی که فرصت بررسی و توضیح آن‌ها در این جا نیست، «انتخابات آزاد» به مثابه راهبری مشخص و بسیج‌کننده نمی‌تواند طرح روز باشد و نقشی را ایفا کند که هر سه دیسکور مدعی آن هستند.

۵- این که افزون بر این‌ها، دریافت‌های گوناگون با هدف‌ها و مضمون‌هایی گاه متضاد، از قدرت نفوذ و تأثیر بخشی این شعار می‌کاهد. شعاری که می‌خواهد نقش موتور کوچک (در دیسکور ۲) و نیرویی محرکه را ایفا کند (در سه دیسکور) و در نتیجه می‌بایست معنا و دریافتی واحد از خود به جامعه و جنبش ارائه دهد، از چنین ویژگی و خاصیتی برخوردار نیست.

۶- سرانجام این که شعار انتخابات آزاد از سوی بخشی از اپوزیسیون دارای ابهامات بسیاری است که بدون رفع آن‌ها، طرح آن چون راهکار عمومی جنبش در واقعیتِ امروزی جمهوری اسلامی و قوانین حاکم بر آن قابل دفاع نمی‌باشد.

ابهام‌های انتخابات آزاد

آن‌ها را در چهار پرسش اصلی نشان می‌دهیم.

۱- انتخابات تحت چه قوانینی؟

در جمهوری اسلامی، انتخابات تحت قوانین و مقررات تبعیض آمیزی انجام می‌پذیرد که پایه‌ای‌ترین آن‌ها قانون اساسی است. اصل چهارم این قانون تبعیض دینی در تمامی قوانین و مقررات کشوری را چنین تصریح می‌کند:

«کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.»

بر این اساس، از همان اوان جمهوری اسلامی، راه یافتن مخالفان به ویژه مخالفان تنوکراسی و تبعیت دولت و قوانین از دین، به سه قوای کشوری (اجرایی، قانونگذاری و قضایی) مسدود می‌شود. در ایران کنونی، انتخاباتی می‌تواند به معنایی «آزاد» باشد که از قوانین و مقررات موجود پیروی نکند. در چهارچوب آن انجام نگیرد. حال، پرسش این است که آیا طراحان انتخابات آزاد حاضرند آشکارا اعلام کنند که «انتخابات آزاد» مورد نظرشان، انتخاباتی است که از قوانین موجود کشوری و به طور مشخص از اصلی‌ترین آن‌ها یعنی قانون اساسی جمهوری اسلامی پیروی و تبعیت نخواهد کرد؟ اما در دیسکور انتخابات آزاد، ما نه تنها با چنین اعترافی رو به رو نمی‌شویم، بلکه با سر باز زدن از بیان آن، چنین برداشت می‌توان کرد که انتخابات آزاد ادعایی آن‌ها می‌تواند به واقع امر در چهارچوب قوانین و مقررات حاکم کنونی انجام پذیرد.

۲- انتخابات در چه شرایطی؟

در شکل متعارف و آشنای آن، انتخابات تنها در شرایطی مشخص می‌تواند آزاد باشد. در نبودن چنین شرایطی، انتخابات را نمی‌توان آزاد یعنی دموکراتیک نامید. می‌دانیم که این شرایط کدامند. آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و مدنی. آزادی بیان و اندیشه. آزادی تجمع و فعالیت سازمان‌ها، اجزاب، انجمن‌ها، سندیکاها از جمله آزادی اپوزیسیون و مخالفان نظام. آزادی مطبوعات و رسانه‌ها. عدم دخالت دولت، نهادهای دولتی، نیروهای انتظامی و دستگاه دینی در امور انتخابات و برگزاری آن. این‌ها همه شرایطی هستند که در میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی در باره‌ی انتخابات دموکراتیک و معیارهای آن مشخص و مدون شده‌اند. انتخابات در صورتی آزاد است که چنین شرایطی در آن فراهم شده باشند. اما دیسکور انتخابات آزاد کمتر بر این شرایط تأکید می‌ورزد، چون فلسفه‌اش در طرح این شعار بر انجام انتخابات آزاد در چهارچوب قانون اساسی کنونی بنا شده است. در حالی که تحقق شرایط نام برده، حتا بخش جزئی و کوچکی از آن‌ها، نافی این نظام و قانون اساسی آن است.

۲ انتخابات برای چه؟

دیسکور در عین حال مشخص نمی‌کند که از کدامین انتخابات سخن می‌گوید. اگر منظور طراحان از انتخابات آزاد، انتخابات به طور کلی است که در این صورت انگیزه ادعایی در مورد شعار مشخص و راه‌کاری فرو می‌ریزد. زیرا که «انتخابات آزاد» تبدیل به شعاری نامعلوم و کلی می‌شود: کدام انتخابات؟ انتخاب ریاست جمهوری اسلامی؟ مجلس شورای اسلامی؟، شورا‌های اسلامی؟... در تبعیت از ولایت فقیه و مبانی جمهوری اسلامی؟ در هر حال دیسکور انتخابات آزاد باید

پاسخ دهد که انتخاب فرد یا عده ای برای نمایندگی کردن از مردم، برای چه؟ برای چه نهاد یا نهاد هایی؟ چه مجلسی؟ چه رئیس جمهوری؟ به چه منظور و با چه برنامه ای؟ در این صورت است که انگیزه ای برای مبارزه به خاطر انتخابات ایجاد می شود. در این صورت است که شعار تبدیل به خواست می شود و خواست به نیروی مادی و نیروی مادی احتمالاً به موتور برای تغییر و تحول.

۴- انتخابات چون تاکتیک؟

اما نزد برخی، ناگفته ای در دیسکور وجود دارد که سربسته بیان می شود. این که طرح انتخابات آزاد در شرایط جمهوری اسلامی، شعاری تاکتیکی است. تاکتیکی به این معنا که هدف همانا عبور از جمهوری اسلامی و برچیدن آن است، اما از طریق انتخابات آزاد. این که انتخابات آزاد در نظام جمهوری اسلامی تحقق پذیر نیست. اما این شعار بدین سبب طرح می شود که وسیع ترین توده ها با کم ترین هزینه ها را به مبارزه کشاند تا با تشکیل نیروی فشار و فراگیرنده ی مردمی، بتوان حاکمیت را به تسلیم و پذیرش تغییر نظام از طریق انتخابات وادار کرد. به این ترتیب، اینان می خواهند با این شعار، شرایطی به وجود آورند که دیکتاتوری، خود، دست به انتخابات برای پایان دادن به دیکتاتوری خویش زند. این گونه تاکتیک ها، البته در مواردی در نظام های توتالیتر مفید واقع گشته اند. اما همانطور که پیشتر گفتیم، تکرار تاریخ آن هم در شرایطی متفاوت، کمتر رخ می دهد. در عوض، این گونه تاکتیک ها بیشتر بر ابهامات و ناروشنی ها می افزایند. به سرخوردگی و بی اعتمادی و بی اعتباری سیاست و کار سیاسی نزد مردم دامن می زند. سیاسی کاران حرفه ای، این شیفتگان «سیاست ورزی» چون ارزش سیاسی(؟)، باید در این حالت با روشنی سخن برانند و با صراحت اعلام بدارند که «انتخابات آزاد» راه کاری است به منظور برچیدن نظام جمهوری اسلامی ایران. که شعار «انتخابات آزاد» به زعم آن ها باید شرایطی را به وجود آورد که این شرایط دیگر شرایط جمهوری اسلامی نباشد. یعنی وضعیتی دیگر خارج از قوانین و قواعد جمهوری اسلامی. اما می دانیم که چنین در خواستی از آن ها غیر واقعی است چون در این صورت، طرح انتخابات آزاد همراهی احتمالی اصلاح طلبان داخل و بخشی از قدرت حاکمه را که یکی از انگیزه های وجودی این طرح می باشد، از دست می دهد. این درخواست باز هم غیر واقعی است چون به طور کلی باید گفت که در سیاست و سیاست ورزی به مفهوم سنتی کلمه، شفاف گویی و حقیقت گویی مکان و موقعیتی ندارند.

افسانه های انتخابات آزاد

«سیاست»، آن چه که ما «سیاست واقعاً موجود» (۴) می نامیم که در معنای هانا آرنتمی آن، «حکومت کردن و تحت حاکمیت قرار گرفتن» است، همواره تا کنون و در بخشی کلان اگر نه عمده، افسانه پردازی (برای مردم) و افسانه پذیری (از جانب مردم) بوده است. تا زمانی که «سیاست» بر این پاشنه گردد و مردم نیز پذیرای شنودن افسانه باشند، وضع سیاست، شهر و دنیا بر همین روال ادامه پیدا خواهد کرد. یعنی هم چنان در امور سیاست، شهر و جهان، افسانه های شیرین اما عموماً دروغین و فریبنده به جای حقیقت های واقعی اما عموماً تلخ و ناگوار می نشینند.

۱- انتخابات و رستگاری

یکی از افسانه سرایی های دیسکور، وعده ی تغییر، بهروزی و رستگاری از طریق انتخابات آزاد است. گویی با انتخابات آزاد مشکلات و نابسامانی های زندگی مردم، جامعه و کشور راه حل و پاسخ خود را می یابند. اما گر چنین بود، چگونه است که در غرب، طی نزدیک به دو سده که از آغاز مدرنیته و انتخابات دموکراتیک می گذرد، هم چنان نابرابری ها، بی عدالتی ها و تبعیض ها... موضوع مبارزه سیاسی- اجتماعی قرار دارند؟ راه حل مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی... جوامع بشری تنها انتخابات نیست. این را می گوئیم، نه از برای تخطئه ی امر انتخابات آزاد و همگانی که یکی از شرط های وجودی دموکراسی مدرن است. به هیچ رو. بلکه از این رو که توهم و افسانه سرایی پوپولیستی و فریبنده را نشان دهیم. از نوع آنی که ادعا می کند: «سیاست انتخابات آزاد، گره گاه همه جنبش های ضد تبعیض است...» [محلی برای به نمایش درآمدن نیرو و پتانسیل جنبش های برابر حقوقی جنسیتی، عدالت خواهی اجتماعی، مطالبات ملی و هر مبارزه برنامه ای ضد تبعیض دیگر» (دیسکور ۲). در عصری که سلطه گری های مالی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، دینی، علمی، بوروکراتیک، تکنوکراتیک، اطلاعاتی و حزبی... اعمال می شوند، در دنیایی که تبلیغات و رسانه ها به طور غالب وابسته به این قدرت ها می باشند و ایدئولوژی حاکم و افکار عمومی می سازند و بر افکار و عقاید و اندیشه ها هژمونی دارند... انتخابات و دموکراسی به تنهایی آزادی، عدالت و برابری نمی آورند. بدون برابری و عدالت اجتماعی واقعی، آزادی واقعی میسر نیست. برابری نیز، گرچه بدون آزادی و دموکراسی امکان پذیر نیست، اما صرفاً با دموکراسی و آزادی نیز به دست نمی آیند.

۲- انتخابات و دموکراسی

دومین افسانه در دیسکور انتخابات آزاد، آنی است که انتخابات و دموکراسی را هدف مطلق و برین می سازد. اما می دانیم که خود دموکراسی هدف نهایی زندگی و مبارزه آدمیان نیست و نبوده بلکه تنها وسیله و راه و روشی است برای فراروی از آن به سوی رهایی از قید و بند هر قدرت و حکومتی که همین دموکراسی، به واقع، یکی از انواع آن است، با این که تا کنون و در تجربه و به راستی، بهترین آن ها تشخیص داده شده است.

آیا افسانه نیست هنگامی که دیسکور چنین داستان می سراید: «آزادی های فردی، حقوق شهروندی، حاکمیت مردم که تحت عنوان شعار محوری انتخابات آزاد مطرح شده است» (دیسکور ۳).

به گواه تاریخ، انتخابات به عنوان یکی از ابزار اصلی دموکراسی، در آزادترین و دموکراتیک ترین شکل آن، هرگز اعجاز نکرده و نمی کند. انتخابات، چون گزینش فرد یا افرادی به جای خود برای مدیریت جامعه و کشور، چون واگذاری اختیارات خود به دیگری، به نماینده ای از جانب خود، برای حکومت کردن، قانون وضع کردن و اداره ی امر عمومی یا امور کشور، چون تفویض قدرت خود به نماینده ای که عموماً نیز در بهترین حالت دموکراتیک خوب نمایندگی نخواهد کرد... هیچ گاه ترجمان و تبلور آزادی های فردی، حقوق شهروندی و حاکمیت مردم... نبوده و نیست. آزادی های فردی، حقوق شهروندی و حاکمیت مردم محصول مبارزات، تلاش ها، دخالت گری ها و مشارکت های خود افشار و طبقات مختلف مردم، به طور مستقیم، بلاواسطه و بی واسطه، در طول زمان است. و چنین امری نمی تواند به «دموکراسی نمایندگی» تقلیل یابد.

از سوی دیگر، ما به خوبی می دانیم که با رأی توده، در آزادترین شرایط دموکراتیک و با شرکت همه ی احزاب با گرایشات مختلف، پیشوایان و نظام هایی از صندوق های رأی بیرون آمده و می آیند که از دیکتاتورها و دیکتاتوری های مستقر به زور اسلحه، بسی مخوف ترند. و این را حداقل ما ایرانیان، سی سال پیش خوب آزموده ایم. پس چه خوشبینانه، از نوع آن چه که والتر بنزامین «خوش بینی ناآگاه» چون «شعر بد بهاری» (۵) می نامد و چه فریبنده است، آن دیسکوری که به مخاطب خود چنین وعده می دهد: «انتخابات آزاد پاسحگوی هم زمان معضلات چندگانه صحنه سیاسی ایران... بن بست حکومتی، بدست آوردن حقوق از دست رفته ملت، نهادسازی به سمت ساختارهای نظام سیاسی مدرن...» است (دیسکور ۱).

۲- انتخابات یا فروپاشی ایران

از دیگر عجایب دیسکور انتخابات آزاد این است که همواره متوسل به ارباب و تهدید می شود: انتخابات آزاد یا نابودی و فروپاشی کشور.

«از این نگاه، سرنوشت کشور ما امروز در گرو نتیجه مسابقه میان انتخابات آزاد و فروپاشی است...» (دیسکور ۱)
«تنها با چنین راهبردی است که می توان به اتحاد های سیاسی و اجتماعی برای نجات کشور از پرتگاهی که بدان کشیده شده است، کمک کرد.» (دیسکور ۳).

حال باید پرسید، اگر موجودیت کشورها وابسته به انتخابات آزاد باشد، سالهاست که باید ایران از صفحه ی روزگار محو شده باشد. نه تنها ایران بل بسیاری از کشورهای جهان با شرایطی بس وخیم تر. آن جا که حتا ظاهر انتخابات فرمایشی از نوع جمهوری اسلامی محلی از اعراب ندارد. اما در عوض می بینیم که این سامان ها، چون کشوری مانند چین، نه تنها فرو نمی باشد بلکه با حفظ نظام توتالیتر خود، حتا به بالاترین مدارج قدرت اقتصادی و سیاسی جهان ارتقا می یابد.

افسانه انتخابات یا نیستی همان است که همواره در سیاست، در «سیاست واقعاً موجود»، از سوی فرمانروایان، سراداران، دیکتاتورها، حاکمان کاریسماتیک و منجیان شهر، کشور و عالم بر زبان آورده می شود. دیسکور سلطنتی می گوید: یا من (شاه) یا هرج و مرج (دیسکور رضا پهلوی). دیسکور انقلابی می گوید: یا انقلاب یا مرگ (دیسکور فیدل کاسترو). دیسکور چپ توتالیتر می گوید: یا سوسیالیسم (به خوانید واقعاً موجود) یا سرمایه داری... و بالاخره دیسکور لیبرالیسم می گوید: یا اقتصاد بازار یا اقتصاد فقر... اما خوب می دانیم که همه ی این ها داستان اند. حکایت های دینی اند. چه «سیاست»، همواره، یک پای مؤسس در ذهنیت دینی و قدسی داشته و دارد. آن جا که بیم خدای یگانه آسمانی جای خود را به بیم خدایان زمینی، دنیوی یا سکولار می دهد. خدایگانی واقعی یا ایدئولوژیکی چون «دولت»، «ملت»، «میهن»، «اقتصاد»، «سیاست»، «دموکراسی»، «سوسیالیسم»، «حزب»، «طبقه کارگر».....

۲- انتخابات یا مبارزه قهرآمیز

این "دیالکتیک" نیز، هم چون افسانه پردازی های پیشین، گرفتار دوگانه انگاری در برخورد با واقعیت های چندگانه و پدیدار های پیچیده اجتماعی و سیاسی می شود. چنین بینشی را به ویژه در دیسکور ۲ مشاهده می کنیم. آن جا که

نویسنده با قرار دادن انتخابات و راه و روش دموکراتیک در برابر «خشونت و راه روش های کسب غیر دموکراتیک قدرت» (بخوانید قیام و انقلاب) از انتخابات آزاد چون استراتژی دموکراتیک صحبت می کند و هر آن که دیگر گوید را به طرفداری از راه و روش خشونت و قهر متهم می کند. در این جا نیز تفکر ساده به جای تفکر بغرنج که با پیچیدگی و چندگانگی شرایط اجتماعی و سیاسی سازگار تر است، کار متافیزیکی خود را انجام می دهد. بدین معنا که قیام و انقلاب را با خشونت و قهر این همان می کند. قیام یا انقلاب را در مقابل انتخابات مسالمت آمیز و دموکراتیک قرار می دهد. قیام و انقلابی که پس از سرنوشت فاجعه بار انقلاب های سده ی بیستم که به رژیم های توتالیتر یا استبدادی انجامیدند، به راستی بار ایدئولوژیکی ای منفی کسب کرده اند. اما می دانیم که اشکال مبارزه را نمی توان از پیش تعیین کرد. رخداد های اجتماعی اکثراً نابهنگام، غیر منتظره و اتفاقی اند. قیام اجتماعی در برابر زور، بی عدالتی و برای آزادی و رهایی، چهارچوب پذیر در اشکالی از پیش برنامه ریزی شده نیست. سیاست رهایی بخش، به قول آلن بدیو، منحصر به فرد و اتفاقی است. مکان های آن گوناگون و تغییر پذیرند و در هر تلاشی جا به جا می شوند. کشورها، مجامع عمومی، کارخانه ها، طبقات، ارتش توده ای، توده ی شورشی... این ها همه مکان های مختلف سیاست های رهایی بخش اند که هیچ چیز نمی تواند از پیش آن ها را تعیین و تأسیس کند» (۶).

از سوی دیگر، میان قهر و مسالمت فضایی می تواند به وجود آید که نه به طور کامل قهرآمیز باشد و نه به طور کامل مسالمت آمیز. در حقیقت اکثر انقلاب های موسوم به قهرآمیز جهان در ابتدا بدین شکل بغرنج رخ داده اند. به واقع، پس از کسب قدرت توسط طبقه یا نیروی سیاسی جدید است که قهر دولتی برای حفظ آن چه که تازه به قدرت رسیدگان منافع و مصالح دولت و انقلاب می نامند، بر جامعه اعمال می شود.

سخن آخر و موضع ما: اصل ها، هدف ها و آرمان شهری ممکن

در پایان این نقد سیاسی، اکنون نوبت به طرح موضع اثباتی خود ما می رسد. موضعی که می خواهد در جنبش سیاسی و اجتماعی ایران مدافع گرایش جمهوری خواه، دموکرات و لائیک باشد. هم چنین و در پیوند با آن، موضعی که می خواهد در اپوزیسیون ایران به عنوان چپ سوسیالیست آزادی خواه، در گسست از چپ توتالیتر و چپ بی هویت و آرمان، اظهار نظر و مداخله کند.

۱- انتخابات آزاد در شرایط جمهوری اسلامی نه معنایی دارد و نه امکان پذیر است. انتخابات در ایران در شرایطی می تواند آزاد باشد که از یک سو، قوانین جمهوری اسلامی از جمله قانون اساسی آن در کشور جاری نباشند و از سوی دیگر شرایطی چون آزادی های مدنی، آزادی اندیشه و بیان، آزادی مطبوعات و آزادی تشکل... برقرار و مهم تر از همه امکانات برابری در فعالیت سیاسی برای همه بدون استثنا مهیا باشند.

۲- در فرایند جنبش های اجتماعی و سیاسی برای تغییر و دگرگونی، شعار یا راه کاری واحد، راه گشا، مرکزی و فراگیر می تواند مطرح و تعیین کننده شود. اما چنین نقشی را امروز «انتخابات آزاد» در جمهوری اسلامی نمی تواند ایفا کند. از یک سو، به دلیل ابهام و توهمی که این شعار می آفریند و از سوی دیگر با توجه به شرایط کنونی جنبش اعتراضی ایران که با اوضاع پس از انتخابات خرداد سال پیش بسیار متفاوت است.

۳- از این رو، باید هم چنان و بیش از گذشته بر روی اصول و اهداف مبارزه ایستادگی و پافشاری کرد. مبارزه برای آزادی های مدنی، دفاع از حقوق بشر، جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین یا لائیسته در نفی و رد دین سالاری و ولایت فقیه (تئوکراسی)... این همه با اعلام و توضیح مناسباتی که می خواهیم جایگزین نظم استبدادی و تئوکراتیک کنونی کنیم. امروز، در شرایطی که فعالان سیاسی- اجتماعی در ایران سخت تحت تعقیب، پیگرد و سرکوب اند، مسأله ی خود سازمان باری مجدد آن ها مطرح است. این فعالان بیش از هر چیز با مشکل مبرم بازسازی فعالیت های خود، حرکت ها و جنبش های مدنی، اجتماعی و انجمنی مواجه اند. از این رو، وظیفه ی خطیر کنونی، تلاش در جهت یاری رساندن نظری و عملی به فعالان جنبش های مدنی، انجمنی و سندیکایی، جنبش زنان، دانشجویی و کارگری برای بازنگری و بازسازی خود است.

۴- پروژه ی سیاسی- اجتماعی ما، برای مرحله ی تاریخی کنونی ایران، جمهوری دموکراتیک لائیک یا جمهوری ای مبتنی بر دموکراسی و جدایی دولت و دین (لائیسته) است. در این راه، مبارزه برای لغو قانون اساسی جمهوری اسلامی، ایجاد جنبش های مؤسس، چون جنبش برای تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی جدید، می تواند از یکسو، به

چالش میان برنامه ها و طرح ها دامن زند و از سوی دیگر، به رشد آگاهی در بین افشار و طبقات مختلف نسبت به ضرورت تغییرات اساسی و مضمون نظام جایگزین کمک رساند.

۵- نگاه و موضع ما نسبت به تغییر و تحولات در ایران به طور عمده در چالش با پروژه اصلاح طلبی است. از یک طرف، پروژه ی اصلاح طلبان قرار دارد؛ از اصلاح طلبان حکومتی سابق در داخل تا اصلاح طلبان خارج از کشور که خواهان حفظ ستون هایی اساسی نظام جمهوری اسلامی اند. از طرف دیگر، چپ توتالیتر و چپ بی هویت و آرمان قرار دارند که گرچه خواهان تغییراتی بنیادی در ایران هستند، اما بینش و راه و روش آن ها، «سوسیالیسم توتالیتر» از یک سو و «فقط دموکراتیسم» از سوی دیگر، با بینش و راه و روش چپ سوسیالیست آزادی خواه کاملاً متضاد (در مورد اولی) یا متفاوت (در مورد دومی) می باشد.

۶- ما، در پای بندی به روحی از اندیشه ی مارکسی در گسست از مارکسیسم مبتدل، برآنیم که تنها تفکر و پرسش اصلی در مبارزه برای تغییر هستی سیاسی- اجتماعی، از آغاز تا کنون، همواره اندیشه ی «گسست» بوده است. گسست در بینش، نظریه و عمل، از مناسبات اجتماعی حاکم، از سیاست واقعاً موجود. از اشکال سنتی فعالیت سیاسی و سازماندهی. از آن چه که *دکسا* (افکار عمومی) «تنها واقعیت ممکن» می شناسد. گسست از نظام اعتقادی، ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی مستقر. برای ما که به جنبش خود رهایی انسان ها باور داریم، گسست از نظم موجود سرمایه داری یا گسست کمونیسم نمی تواند موضوعی خارج از مشغله ی فکری، نظری و حتا عملی مان باشد. اندیشیدن به چگونگی گسست از نظم سرمایه و مناسباتش، در بغرنجی اش، در ملی، منطقه ای و جهانی بودن اش، در ایجاد مناسبات اجتماعی نوین، در ابداع اشکال نوین مشارکت و مداخله ی مستقیم در امر عمومی... از آن جهت برای ما اهمیت دارد که جامعه ی ایران و جنبش سیاسی- اجتماعی امروز آن در دوران تاریخی جهانی شدن سرمایه داری قرار دارد. گسست از نظم سرمایه داری، گسستی که تنها می تواند جهانی باشد، با این که در شرایط امروز جامعه ی ما در دستور کار بی واسطه ی تاریخی آن جای نمی گیرد، اما، به حکم انکشاف این مناسبات در کشور ما، باید موضوع کار فکری و عملی ما قرار گیرد.

معنای «سیاست» و «مبارزه» در باور، فلسفه و بینش ما، جدا از آرمان شهری یا *اوتوپیا* نیست. اما *اوتوپیا* ممکن که به توان در جهت آن شرط بندی کرد، یعنی تلاش و مبارزه کرد. هر چند که تحقق بخشیدن به آن در جنبش فعلی و در این لحظه از تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، محتمل و مسلم نیست. این است آن نگاه و بینش فلسفی از تاریخ که مورد علاقه، توجه و تأمل ما قرار دارد. آنی که هایدگر از زبان نیچه، «بدبینی توانایی» می نامد و والتر بنژامین «بدبینی فعال و عمل گرا» (۷). آنی که توهمی در خود راه نمی دهد. خطر را همواره مد نظر دارد، سر تعظیم و تسلیم به آن چه که بوده و هست و یا باز می گردد فرو نمی آورد. سرانجام اصل را بر امکان خودآگاهی نیروهای اجتماعی در جهت چیرگی بر وضعیت تاریخی می نهد. و من اضافه می کنم، اصل را بر خود- رهایی انسان ها چون شرط بندی و مبارزه قرار می دهد. چه مرگبار است تسلیم!

یادداشت ها

(*) مارتین هایدگر: جمله خدا مرده است نیچه، در کتاب Holzwege: کوره راه های جنگلی (ترجمه فارسی) یا راه هایی که به هیچ جا نمی انجامند در ترجمه فرانسوی. ترجمه فراز برگزیده از متن فرانسه در صفحه ۲۷۰ نشر Gallimard از من است.

۱- انتخابات آزاد - استراتژی جمهوری خواهان ملی ایران. حسن شریعتمداری. تارنمای عصر نو. ۱ مرداد ۱۳۸۹ - ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۰

۲- انتخابات آزاد و تاکتیک - نقشه. بهزاد کریمی. همان جا. ۲۱ تیر ۱۳۸۹ - ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۰

۳- خواست مشترک: به سوی انتخابات آزاد. نادر عصاره. همانجا. ۲ مرداد ۱۳۸۹ - ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۰

۴- رجوع کنید به مقالات من پیرامون نقد سیاست در طرحی نو: www.tarhino.com

۵- والتر بنژامین در:

Le surréalisme, Dernier instantané de l'intelligentsia européenne, œuvres II, Paris, Gallimard, 2000, p. 125

Alain Badiou, Conditions. Editions du Seuil, Paris, 1992 - ۶

۷- والتر بنژامین، همانجا